

تأثیر کاهش تعرفه‌های وارداتی بر فقر در ایران

تاریخ دریافت: ۸۶/۱۰/۱۹ تاریخ پذیرش: ۸۶/۱۱/۱۴

داریوش رحمتی و منصور زیبایی*

چکیده

در این مطالعه، اثرهای کاهش تعرفه‌های وارداتی بر شاخص‌های فقر در چارچوب مدل تعادل عمومی قابل محاسبه (CGE) که به عنوان روشی برتر جهت بررسی اثر سیاست‌ها بر کل اقتصاد شناخته شده است، مورد بررسی قرار گرفت. مطالعه بر پایه دو نوع داده بنا شده است. نخست ماتریس حساب‌های اقتصادی سال ۱۳۸۰ که پارامترهای مدل تعادل عمومی بر اساس آن کالیبره شده است و دوم داده‌های مربوط به مخارج ۲۰۰۰ خانوار است که به دو گروه روستایی و شهری تقسیم شده است. چندین شاخص جهت بررسی فقر، ارائه شده‌اند که در این پژوهش از FGT که متداول‌ترست، استفاده گردید. نتایج مطالعه نشان داد که در سال پایه، ۲۵/۴۳ درصد خانوارهای روستایی و ۳۶/۷ درصد از خانوارهای شهری زیر خط فقر قرار دارند. همچنین نتایج مشخص کرد که دو شاخص شکاف و شدت فقر برای هر دو گروه مورد مطالعه (خانوارهای روستایی و شهری) با کاهش تعرفه‌های وارداتی به گونه‌ی پیوسته کاهش می‌یابد، اما میزان بهبود در هر دو شاخص یاد شده در مورد خانوارهای روستایی بیش از خانوارهای شهری است. سرانجام اینکه با کاهش میزان تعرفه‌های وارداتی به میزان ۱۰۰ درصد، شاخص شکاف فقر در خانوارهای روستایی و شهری به ترتیب به میزان ۴/۰۵ و ۳/۳۳ درصد کاهش می‌یابد. در صورتی که در همین سطح کاهش تعرفه، شاخص شدت فقر در جوامع روستایی و شهری به ترتیب به میزان ۴/۵ و ۴ درصد کاهش می‌یابد. اثر تمامی سطوح کاهش تعرفه (۱۰، ۲۰، ۳۰، ۵۰ و ۱۰۰ درصد) بر شاخص نسبت سرشمار فقر در خانوارهای روستایی یکسان و به میزان کمتر از یک درصد است. حال آنکه در خانوارهای شهری با کاهش تعرفه به میزان ۱۰۰ درصد، نسبت سرشمار به میزان ۲/۳۲ درصد کاهش می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: کاهش تعرفه‌های وارداتی، فقر، مدل تعادل عمومی قابل محاسبه (CGE) شاخص FGT

* به ترتیب دانشجوی کارشناسی ارشد پیشین دانشگاه شیراز و استادیار بخش اقتصاد کشاورزی دانشگاه شیراز
e-mail: drahmati16@gmail.com

پیشگفتار

آزادسازی تجاری که یک بعد از فرآیند جهانی شدن در حوزه اقتصاد است، در برگیرنده مشارکت بالای کشورها در تجارت جهانی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و بازار سرمایه است (محمدقلی نیا، ۱۳۷۸). آزاد سازی به گونه‌ی ساده عبارت از حذف موانع مبادلاتی است. در طول چند دهه‌ی گذشته، کاهش در موانع طبیعی مثل هزینه‌های حمل و نقل و ارتباطات و انقلاب در فناوری اطلاعات و برداشتن موانع مصنوعی مانند موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای و وابستگی زیاد غذایی بین کشورهای جهان نشان دهنده‌ی افزایش در تجارت و جریان سرمایه خصوصی بوده است (مجیری^۱، ۲۰۰۲).

سیاست آزادسازی ارز و تجارت خارجی و عدالت اجتماعی و تأمین کمترین نیازهای اساسی عامه مردم از جمله هدف‌هایی بوده است که طی سه برنامه پنج ساله توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، یعنی از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۳ مورد توجه قرار گرفته است. به این منظور پیوستن به سازمان تجارت جهانی یکی از اقدام‌های مهم در ورود به عرصه‌ی جهانی است. کاهش تعرفه‌های وارداتی به عنوان سیاستی تجاری بر اقتصاد کشور می‌تواند اثرهای متفاوتی داشته باشد. از آن جایی که این نوع سیاست‌ها اثرات معنی‌دار و مهمی بر محیط اقتصادی کشور اعمال می‌کنند و این اثر در مواجهه با گروه‌های گوناگون اجتماعی متفاوت می‌باشد، لذا اتخاذ این نوع سیاست‌ها بدون انجام اقدام‌های جانبی و از پیش تعیین شده، چگونگی اثر آنها را در هاله‌ای از ابهام قرار خواهد داد. در مجموع اثرهای احتمالی ناشی از آزادسازی تجاری با اجرای کاهش تعرفه‌های وارداتی در میان گروه‌های فقیر از جمله موارد نگران‌کننده‌ای است که لازم است پیش از اجرا، بررسی‌های جامعی در مورد آن صورت گیرد. یکی از نکات چالش‌انگیز، نحوه‌ی تعریف فقر است. بر اساس تعریف خان^۲ (۲۰۰۴)، درک عمومی این است که فقر زمانی وجود دارد که یک گروه از مردم در یک جامعه خاص نمی‌توانند حداقل سطحی از رفاه را بدست آورند این حداقل کوچکترین اندازه‌ای است که بستگی به استانداردهای متداول آن جامعه دارد. بر اساس تعریف سری نی^۳ (۲۰۰۰)، افراد فقیر به افرادی اطلاق می‌شوند که قادر به تأمین غذا، پوشاک و مسکن در سطح حداقل

1- M. Mujeri

2- khan

3- T.N. Srinivasan

تأثیر کاهش تعرفه‌های وارداتی بر فقر در ایران

نیستند. همچنین بر اساس تعریف وی اگر میزان کالری دریافتی فردی از کالری مورد نیاز برای تأمین سلامتی، کمتر باشد، وی فردی مبتلا به سوء تغذیه خواهد بود.

آزادسازی تجاری می‌تواند از راه رشد بهره‌وری عوامل تولید و ایجاد اشتغال موجب کاهش فقر گردد (بانک جهانی، ۲۰۰۲) برای مثال مطالعه‌ی دونالدهای^۱ (۲۰۰۱)، و مهرآرا و محسنی (۱۳۸۳). بر خلاف مطالعات یاد شده که یافته‌های آنها حاکی از کاهش فقر در نتیجه آزادسازی بوده است، برخی از مطالعات که آزادسازی بخشی یا کالایی را مورد ارزیابی قرار داده‌اند به نتایج معکوسی دست یافته‌اند. از جمله مطالعه انور^۲ (۲۰۰۱)، برای کشور پاکستان و شوشتریان (۱۳۸۲)، برای کشور ایران است. البته، میزان موفقیت کشورها در بهره‌مندی از منافع آزادسازی و جهانی شدن در گرو ساختار اقتصادی، قوانین و مقررات حاکم بر اوضاع کشور و توانایی کشور در عرصه‌ی بازارهای بین‌المللی و مشارکت فعال در زمینه تجارت خواهد بود. چنانکه اتفاق نظر بر این است که اثرات آزادسازی تجاری باید در مورد یک کشور و با شرایط و زمینه همان کشور در اقتصاد جهانی مورد ارزیابی قرار گیرد. زیرا شواهد قوی دال بر آزادسازی تجاری و افزایش فقر و آسیب‌پذیری فقرا وجود ندارد و تضمینی هم وجود ندارد که همیشه فقرا از آزادسازی تجاری منتفع شوند (وینترز و همکاران^۳، ۲۰۰۴). نتایج مطالعات انجام شده، در رابطه با اثرهای آزادسازی تجاری بر فقر بر اساس شرایط کشورهای نمونه، دوره زمانی و ویژگی‌های مدل بکار گرفته شده بسیار متفاوت هستند. در این زمینه کروراتن و کوکبورن^۴ (۲۰۰۵)، در کشور فیلیپین با استفاده از مدل CGE اثر کاهش تعرفه‌ها را بر فقر و هازوئه (۲۰۰۱)، با تحلیل آزادسازی تجاری با استفاده از مدل تعادل عمومی قابل محاسبه‌ای برای کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا (منا)^۵، استیفل و توربک^۶ (۲۰۰۳) و کمال و همکاران^۷ (۲۰۰۲)، بهسین و همکاران^۸ (۲۰۰۵) به نتایج متفاوتی دست یافتند. در همین راستا و با توجه ضرورت نگرش همه جانبه به مقوله آزادسازی در این پژوهش سعی شده است پیامدهای

1 - D. Hay

2 - T. Anwar

3 - Winters and et. al

4 - C. B. Cororaton and J. Cockburn

5 - MENA

6 - D. C. Stifel and E. Thorbecke

7 - A. R. Kemal and et. al

8 - V. K. Bhasin and S. K. Annim

ناشی از اثر کاهش تعرفه‌های وارداتی بر گروه‌های فقیر شهری و روستایی با استفاده از چارچوب تعادل عمومی قابل محاسبه (CGE)¹ مورد بررسی قرار گیرد.

مواد و روش‌ها

مدل‌های تعادل عمومی قابل محاسبه از اوایل دهه‌ی ۱۹۸۰ به گونه‌ای فزاینده به منظور تجزیه و تحلیل آثار سیاست‌های اقتصادی در کشورهای گوناگون از جمله کشورهای در حال توسعه بکار گرفته شده‌اند و این مزیت را دارند که ارتباط بین بخش‌های تولیدی در سطح خرد و کلان اقتصادی و همچنین اثرات تغییر در سیاست‌ها بر بخش‌های گوناگون اقتصادی را نشان می‌دهند.

مدل تعادل عمومی بکار رفته در این پژوهش بر اساس کار بهسین و همکاران (۲۰۰۵) که آن هم براساس کار دکلاوو و همکاران (۱۹۹۹)^۲ و آکا (۲۰۰۳) بوده، پایه‌گذاری شده است. این مدل، برای اقتصاد نسبتاً بسته‌ای مثل اقتصاد ایران که بر روی بازارهای بین‌المللی تاثیری ندارد، ارائه شده است البته در مورد برخی کالاها از جمله نفت، ایران بر قیمت بازارهای جهانی تاثیر می‌گذارد، ولی هم اکنون از آن صرف‌نظر شده است. همچنین مدل به گونه‌ای ارائه شده که با ماتریس حساب‌های اجتماعی سال ۱۳۸۰ ایران و همچنین براساس آمارهای استاندارد زندگی از مرکز آمار ایران برای سال ۱۳۸۰ مطابقت داشته باشد. فرض شده است که اقتصاد سه بخش تولیدی صنعت، کشاورزی و خدمات با دو عامل تولید نیروی کار و سرمایه و دو گروه خانوار شهری و روستایی را در بر می‌گیرد. در چارچوب نئوکلاسیک این مدل شامل ۵ دسته از معادلات به صورت تولید و تجارت خارجی، (درآمد، مالیات‌ها، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری)، تقاضا، قیمت‌ها و تعادل بازار است. فرض می‌شود دو عامل تولید، نیروی کار (L) و سرمایه (K) هستند. در مورد تجارت خارجی فرض‌های زیر در نظر گرفته شده است. (۱) کشور گیرنده قیمت برای صادرات و واردات است (فرض کشور کوچک) قیمت‌های جهانی صادرات PWE_i و واردات PWM_i داده شده هستند.

1 - Computable General Equilibrium

2 - Decaluwe and et. al

تأثیر کاهش تعرفه‌های وارداتی بر فقر در ایران

۲) کالاهای تولید شده داخل که در بازار داخلی فروخته می‌شوند جانشین‌های ناقصی برای واردات هستند، (فرض آرمینگتون ۱۹۶۹).

به منظور خلاصه کردن بحث صرفاً به معادله‌های مربوط به سیستم تقاضا و فقر پرداخته می‌شود و از پرداختن به سایر معادلات مدل تعادل عمومی قابل محاسبه خودداری می‌شود. مدل شامل چهار نوع تقاضا برای کالاها و خدمات از جمله مصرف خانوار، مصرف دولت، نهاده‌های واسطه‌ای و تقاضا برای کالاها به منظور سرمایه‌گذاری است. تقاضای خانوار از سیستم مخارج خطی (استون-گیری) ^۱ که تعدیلی از توابع کاب داگلاس و CES است، بدست آمده است. سیستم مخارج خطی اولین بار توسط استون برای داده‌هایی از انگلستان برآورد شده است. سیستم یاد شده بر اساس تابع مطلوبیت (استون-گیری) که به صورت زیر معرفی شده است، بدست می‌آید:

$$u = \sum_{i=1}^n \beta_i \log(q_i - \gamma_i) \quad (1)$$

$$0 < \beta_i < 1, \gamma_i > 0, \sum_{i=1}^n \beta_i = 1, (q_i - \gamma_i) > 0$$

در رابطه بالا u تابع مطلوبیت، β_i سهم نهایی مخارج کالای i ام، γ_i حداقل مخارج الزامی ^۲ یا حداقل میزان مصرف از کالای i ام و q_i تقاضا برای کالای i ام می‌باشد. چنانچه رابطه‌ی یاد شده با شرط قید بودجه یعنی $M = \sum p_i q_i$ حداکثر شود، پس از حل شرط درجه اول به توابع تقاضای زیر می‌رسیم:

$$q_i = \gamma_i + \frac{\beta_i}{p_i} \left(M - \sum_{j=1}^n p_j \gamma_j \right) \quad (2)$$

$$i = 1, \dots, n$$

رابطه‌ی بالا ارائه‌کننده دستگامی از معادله‌های تقاضا برای n کالا است که در آن برای مثال (q_i) تقاضای کالای i ام، تابعی از (p_i) قیمت آن کالا، (p_j) قیمت سایر کالاها و مخارج کل مصرف‌کننده می‌باشد. به عبارت داخل پرانتز یعنی $(M - \sum_{j=1}^n p_j \gamma_j)$ اصطلاحاً

1- Stone-Geary

2- Subsistence

درآمد فرامعیشتی¹ گفته می‌شود، یعنی درآمد یا مخارجی که حداقل مخارج الزامی از آن کنار گذاشته شده است. چنانچه رابطه‌ی بالا را در p_i ضرب کنیم به سیستم مخارج خطی می‌رسیم:

$$p_i q_i = p_i \gamma_i + \beta_i (M - \sum_{j=1}^n p_j \gamma_j) \quad (3)$$

$$i = 1, \dots, n$$

در رابطه (3)، مخارج صرف شده روی کالای i ام تابعی از تمامی قیمت‌ها و مخارج کل مصرف‌کننده است. با استفاده از معادله‌های بالا می‌توان شکل ماتریسی سیستم مخارج خطی را به صورت رابطه‌ی (4) نوشت:

$$pq = p\gamma + (M - p'\gamma)\beta \quad (4)$$

سیستم یاد شده، دارای مزایای گوناگونی است. از جمله این که تعداد پارامترهای مورد برآورد در این سیستم بسیار کم می‌باشند. چنانچه دستگاه را برای n کالا (گروه کالایی) به کار ببریم، تنها محتاج به برآورد $2n-1$ پارامتر می‌باشیم. n پارامتر مربوط به γ_i ها، به لحاظ این که مجموع سهم نهایی مخارج (β_i ها) مساوی یک است، $n-1$ پارامتر نیز برای β_i ها باید مورد برآورد قرار گیرد. در این جا منظور از قیمت، قیمت کالای مرکب است که هم قیمت کالاهای تولید داخلی و هم قیمت کالاهای وارداتی را در بر گرفته باشد به همین دلیل به چگونگی محاسبه قیمت مرکب پرداخته می‌شود.

PC_i قیمت کالای مرکب i ، با معادله (5) نشان داده شده است که این معادله از مجموع حاصلضرب قیمت در مقدار کالاهای داخلی و کالاهای وارداتی بر کل کالاها بدست آمده است.

$$PC_i = (PD_i DD_i + PM_i M_i) / Q_i \quad (5)$$

معادله‌ی (6)، سیستم مخارج خطی را نشان می‌دهد که در مدل بکار رفته است. در این معادله PC_i قیمت کالای مرکب i ، قیمت کالای مرکب در واقع قیمت یک گروه کالایی است که با تغییر در قیمت آنها، قیمت در یک جهت حرکت می‌کند (از دیدگاه خرد)، اما از دیدگاه کلان، قیمت مرکب، قیمت وزنی کالاهای تولید داخل و کالاهای وارداتی است. $C_{i,h}$ مصرف کالای i بوسیله‌ی خانوار h ، $C_{i,h}^{MIN}$ حداقل مصرف خانوار h از کالای i ، $\beta_{j,h}^c$ سهم کالای i در مصرف خانوار h است.

تأثیر کاهش تعرفه‌های وارداتی بر فقر در ایران^۱

$$PC_i C_{i,h} = PC_i C_{i,h}^{MIN} + \beta_{j,h}^c (CTH_h - \sum_i PC_i C_{i,h}^{MIN}) \quad (6)$$

CTH_h مصرف کل خانوار h برابر است با درآمد قابل تصرف منهای پس‌انداز که به صورت معادله (۷) بیان شده است.

$$CTH_h = YDH_h - SH_h \quad (7)$$

در این قسمت پارامترهای مربوط به سیستم مخارج خطی که در الگوی تعادل عمومی بکار رفته‌اند و با استفاده از آنها حداقل مصرف فیزیکی بدست می‌آید، آورده شده است. پارامتر

$\beta_{j,h}^c$ که میل نهایی به مصرف در ارتباط با درآمد فرامعیشتی است به صورت معادله (۸) محاسبه می‌شود:

$$\beta_{j,h}^c = PC_i \times C_{i,h} \times YELAS_{i,h} / CTH_h \quad (8)$$

که در آن $YELAS_{i,h}$ کشش درآمدی کالای i برای خانوار h است. پارامتر $FRISCH_h$ از منفی نسبت بین مخارج کل خانوارها به درآمد فرامعیشتی بدست می‌آید (فریش، ۱۹۵۹).

$$FRISCH_h = - \frac{CTH_h}{(CTH_h - \sum_i PC_i \times C_{i,h}^{MIN})} \quad (9)$$

پارامتر دیگر ارزش حداقل مصرفی است که به صورت معادله (۱۰) محاسبه می‌شود.

$$VMIN_h = \sum_i PC_i \times C_{i,h} \times (1/1 + FRISCH) \quad (10)$$

در این بخش به کمک پارامترهای قبلی، حداقل مصرف فیزیکی یا حداقل معاش به شکل معادله (۱۱) محاسبه می‌شود.

$$C_{i,h}^{MIN} = C_{i,h} - \beta_{j,h}^c (CTH_h - VMIN_h) / PC_i \quad (11)$$

به منظور بررسی فقر از شاخص FGT استفاده شد. شاخص FGT یا فاستر، گریر و توربک^۱ بوسیله‌ی افراد یاد شده در سال (۱۹۸۴) مطرح شد. شاخص FGT در مدل‌های اقتصاد کلان به منظور پیوستگی تحلیل فقر خواص بهینه‌ای دارد از جمله این که شدت و عمق فقر را نشان می‌دهد.

1-- Foster, Greer and Thorbecke

فقر در شاخص FGT به عنوان تابعی از نسبت شکاف فقر تلقی می‌شود. این شاخص به شکل رابطه (۱۲) فرموله شده است:

$$P_{\alpha} = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^q [(z - Y_i) / z]^{\alpha} \quad (12)$$

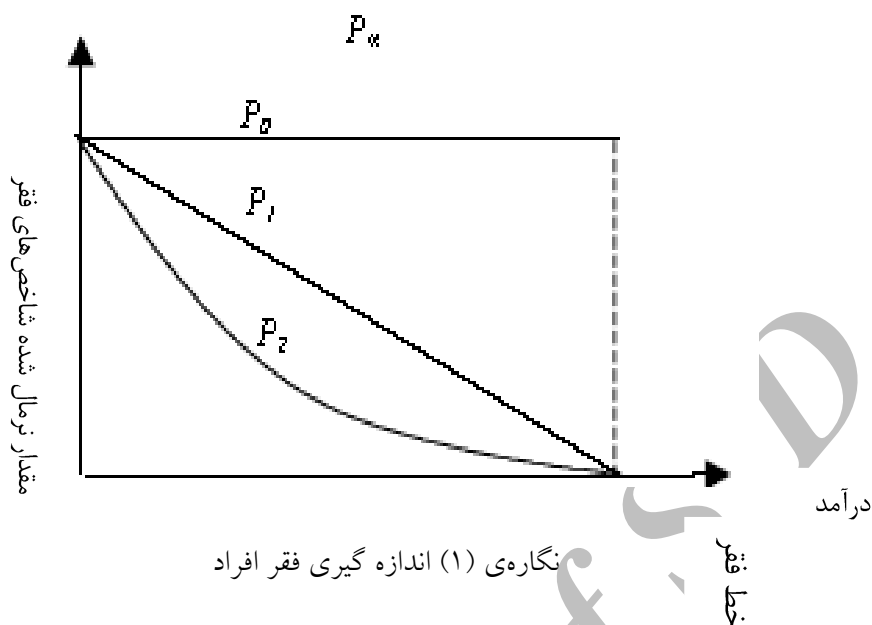
n تعداد کل خانوارها، z خط فقر، Y_i درآمد خانوار است. برای نسبت سرشمار $\alpha=0$ است و برای اندازه‌گیری شکاف فقر $\alpha=1$ و برای اندازه‌گیری شدت فقر $\alpha=2$ است. در واقع اگر α بیشتر از یک باشد حساسیت بیشتری به عمق فقر داده می‌شود. ویژگی اصلی P_2 در این است که بیشترین وزن را به خانوارهایی که فاصله زیادی از خط فقر دارند می‌دهد. به این ترتیب هر چه فاصله درآمدی خانوارها از همدیگر بیشتر شود، یعنی توزیع درآمد ناعادلانه‌تر شود، این شاخص افزایش می‌یابد.

این شاخص به زیر گروههایی که دارای خصوصیات اقتصادی- اجتماعی مشخصی بر اساس منطقه، طبقه درآمد و غیره (مثلا شهری یا روستایی) هستند، قابل شکسته شدن است. بنابراین شاخص می‌تواند شدت فقر در گروههای گوناگون مردم فقیر را نشان دهد. در نگاره ی (۱-۱)، آنچه را تا کنون در مورد شاخص FGT گفته شد به کوتاهی آورده شده است. این نمودار رابطه ی میان شاخص های فقر (نسبت سرشمار، شکاف فقر، شدت فقر) و درآمد را نشان می‌دهد. بر روی محور افقی این نمودار، مقادیر درآمد (زیر خط فقر) و بر روی محور عمودی آن نیز مقدار نرمال شده شاخص های یاد شده ترسیم شده است. در مقادیر درآمدی صفر تا آستانه خط فقر (مبدا مختصات تا جایی که با عدد یک روی محور عمودی) نشان داده شده با افزایش درآمد تغییری در نسبت شاخص سرشمار فقر ایجاد نمی‌شود. لذا رابطه ی میان این شاخص و درآمد ثابت و به صورت یک خط افقی ترسیم شده است. در واقع افزایش درآمد افراد تا رسیدن به خط فقر تغییری در شاخص نسبت سرشمار فقر ایجاد نمی‌کند.

رابطه ی میان شاخص شکاف فقر P_1 و درآمد نیز معکوس با شیب ثابت است. به این معنی که با افزایش درآمد گروههای فقیر، فاصله ی آنها تا خط فقر به صورت خطی کاهش می‌یابد. شاخص شدت فقر به افراد فقیرتر، وزن بالاتر می‌دهد. در این شاخص مقادیر شکاف

تأثیر کاهش تعرفه‌های وارداتی بر فقر در ایران

فقر افراد فقیرتر، ارزش بالاتری را اختیاری می‌کند. این بیان معادل است با تحدب منحنی شدت فقر نسبت به درآمد که در نمودار بالا دیده می‌شود (راوالیون^۱، ۱۹۹۴).



داده‌های کلان استفاده شده در این پژوهش از ماتریس حسابداری اجتماعی سال ۱۳۸۰ کل کشور بدست آمده است که آن هم از جدول داده- ستاده سال ۱۳۷۸ استخراج شده است. از نرم افزار GAMS به منظور بررسی سازگاری داده‌ها با شرایط تعادل مدل تعادل عمومی پیش و پس از کاهش تعرفه‌های وارداتی استفاده شد. استفاده از ماتریس حسابداری اجتماعی سال ۱۳۸۰ باعث شد تا از داده‌های مربوط به مخارج مصرفی خانوارهای شهری و روستایی سال ۱۳۸۰ که از مرکز آمار ایران برای ۱۰۰۰ خانوار شهری و به همین تعداد خانوار روستایی بدست آمد استفاده شود. همچنین به منظور محاسبه‌ی شاخص FGT نرم افزار DAD بکار گرفته شد.

نتایج و بحث

بر اساس نتایج این پژوهش وضعیت کنونی مقدار واردات و نرخ های تعرفه در ایران به این صورت است که میانگین نرخ تعرفه اسمی برای کالاهای صنعتی ۰/۰۶ برای کالاهای کشاورزی ۰/۰۳۲ و برای کالاهای خدماتی تقریباً صفر است. کل تعرفه های وارداتی در کشور ۶۸۶۰ میلیارد ریال است که حدود ۲۰ درصد درآمدهای غیر نفتی دولت را تشکیل می دهد. جدول (۱-۱) مقدار واردات، تعرفه و نرخ تعرفه در سه بخش کشاورزی، صنعت و خدمات برای سال ۱۳۸۰ را نشان می دهد.

جدول (۱) مقدار واردات و تعرفه در هر یک از سه بخش (میلیارد ریال)

نرخ تعرفه	مقدار تعرفه	مقدار واردات	
۰/۰۳۲	۸۹/۴	۲۷۷۹/۱	کشاورزی
۰/۰۶	۶۷۷۱/۵	۱۱۲۶۲۷/۷	صنعت
۰	۰	۵۸۰/۶	خدمات

ماخذ: ماتریس حسابداری اجتماعی سال ۱۳۸۰ و یافته های پژوهش

به منظور محاسبه درصد افراد زیر خط فقر، شکاف و شدت فقر در اثر تغییر در تعرفه از شاخص موسوم به FGT استفاده شد. آنچه که با کاهش تعرفه ها در مدل تعادل عمومی روی می دهد به این صورت است که کاهش نرخ تعرفه ها، قیمت کالای وارداتی را کاهش می دهد کاهش قیمت، تقاضای مصرف کنندگان را افزایش می دهد، چون واردات صرفاً کالاهای مصرفی نیستند، این تغییر قیمت باعث کاهش هزینه های تولیدکنندگان نیز می شود. به این ترتیب قیمت های داخلی نیز کاهش یافته و بر تقاضا افزوده می شود این افزایش تقاضا برای کالاهای مرکب که وزنی از کالاهای ساخت داخل و وارداتی هستند، اتفاق می افتد. قیمت مرکب که رابطه، مستقیم با قیمت داخلی کالاها و قیمت وارداتی و رابطه معکوسی با کالای مرکب دارد، کاهش می یابد. با کاهش قیمت کالاهای مصرفی مرکب، درآمد واقعی خانوارها افزایش یافته، مخارج و پس انداز آنها را تحت تاثیر قرار می دهد. به این ترتیب تقاضای مصرف کالاهای مرکب با توجه به معادله آن در مدل با قیمت کالای مرکب نسبت عکس و با مخارج مصرفی نسبت مستقیم دارد، افزایش می یابد. بنابراین میزان تغییر در قیمت مرکب کالاهای مصرفی

تأثیر کاهش تعرفه‌های وارداتی بر فقر در ایران

خانوار در سطوح مختلف کاهش تعرفه از الگو استخراج، سپس هر یک از قیمت‌های سه بخش در سهم حداقل مصرف هریک از خانوارها در هر بخش ضرب شده تا قیمت برای خانوار روستایی و شهری به گونه‌ی جداگانه بدست آید. در ادامه تغییرات قیمت بر روی مخارج نمونه‌ای از خانوارهای شهری و روستایی شامل ۱۰۰۰ خانوار شهری و ۱۰۰۰ خانوار روستایی اعمال می‌گردد. در جدول (۱-۲) مقادیر شاخص‌های فقر در شرایط کنونی آمده است. در محاسبه‌ی این شاخص یکی از نکات دارای اهمیت استفاده از خط فقر است. بر اساس نتایج این مطالعه، خط فقر مطلق برای مناطق شهری و روستایی در ایران به ترتیب ۱۹۰۳۰۲۰ و ۱۲۱۸۲۶۴ ریال به ازای هر خانوار در ماه بدست آمد. البته نباید فراموش کرد که مقدار مطلق چندان مورد تاکید مطالعه حاضر نیست و عمدتاً در تحلیل یافته‌ها بر میزان تغییرات شاخص‌ها متمرکز شده است. هم اکنون ۲۵/۴۳ درصد از خانوارهای روستایی و ۳۶/۷ درصد از خانوارهای شهری زیر خط فقر قرار دارند. شکاف فقر نیز برای این دو گروه به ترتیب ۶/۱۸ و ۹/۶ درصد است. جدول (۲) خط فقر بدست آمده اولیه و شاخص‌های مربوطه را نشان می‌دهد.

جدول (۲) خط فقر و شاخص‌های FGT سال ۱۳۸۰

خانوار	خط فقر مطلق	F(0)	F(1)	F(2)
شهری	۱۹۰۳۰۲۰	۳۶/۷	۹/۶	۳/۵
روستایی	۱۲۱۸۲۶۴	۲۵/۴۳	۶/۱۸	۲/۲

ماخذ: یافته‌های پژوهش

شاخص شدت فقر محاسبه شده در جدول (۲) حاکی از این مطلب است که شدت فقر در مناطق روستایی ایران در سال ۱۳۸۰ معادل ۶/۱۸ درصد و کمتر از مناطق شهری با شدت فقر ۹/۶ درصد بوده است. این شاخص توزیع درآمد در میان اعضای فقیر را در نظر می‌گیرد و در برآورد فقر به خانوارهایی که از خط فقر فاصله زیادتری دارند (اعضای فقیرتر) وزن بیشتری می‌دهد. همان گونه که ملاحظه می‌شود میان شاخص شکاف و شدت فقر اغلب همبستگی مثبت و نسبتاً بالایی وجود دارد؛ از این رو در منطقه‌ای که شکاف فقر زیاد باشد، شدت فقر نیز زیاد خواهد بود.

سناریوهای کاهش تعرفه نیز شامل پنج سطح ۱۰، ۲۰، ۳۰، ۵۰ و ۱۰۰ درصد است. بر اساس مبانی نظری، انتظار می‌رود با کاهش تعرفه‌ی واردات، قیمت کالاهای وارداتی کاهش یابد و در صورتی که کالاهای وارداتی سرمایه‌ای باشند به دنبال کاهش قیمت کالای وارداتی مورد استفاده در تولید، هزینه تولید و در نهایت قیمت کالاها و خدمات تولید شده کاهش خواهد یافت. از این منظر انتظار می‌رود کاهش تعرفه منجر به کاهش قیمت حداقل معیشت و در نتیجه کاهش فقر گردد. نتایج حاصل از اثر کاهش تعرفه بر شاخص‌های فقر در مناطق شهری در جدول (۱-۳) و در مناطق روستایی در جدول (۱-۴) خلاصه شده است:

جدول (۳) اثرهای کاهش تعرفه‌های وارداتی بر شاخص‌های فقر مناطق شهری سال ۱۳۸۰

کاهش تعرفه‌ها ۱۰۰ (درصد)	کاهش تعرفه‌ها ۵۰ (درصد)	کاهش تعرفه‌ها ۳۰ (درصد)	کاهش تعرفه‌ها ۲۰ (درصد)	کاهش تعرفه‌ها ۱۰ (درصد)	وضعیت کنونی	شاخص‌های فقر
۹/۲۸	۹/۴۶	۹/۵۳	۹/۵۶	۹/۵۹	۹/۶	شکاف فقر
					تغییرات نسبت به وضعیت کنونی (درصد)	$\alpha = 1$
از ۰/۱- تا ۳/۳۳-						
۳/۳۶	۳/۴۴	۳/۴۷	۳/۴۸	۳/۴۹	۳/۵	شدت فقر
					تغییرات نسبت به وضعیت کنونی (درصد)	$\alpha = 2$
از ۰/۳- تا ۴-						

ماخذ: یافته‌های پژوهش

نگاهی اجمالی به نتایج مندرج در جدول (۳) و (۴) حاکی از وجود تفاوت در میان گروه‌های شهری و روستایی بر حسب تغییرات شاخص‌های فقر مورد استفاده از کاهش تعرفه واردات می‌باشد. در مورد دو شاخص شکاف و شدت فقر تغییرات منظمی از کاهش در شاخص‌ها مشاهده می‌شود به این ترتیب که در مورد هر دو گروه خانوارهای شهری و روستایی به موازات کاهش تعرفه، سطوح شکاف و شدت فقر نیز پیوسته کاهش می‌یابد. البته

تأثیر کاهش تعرفه‌های وارداتی بر فقر در ایران

میزان بهبود در دو شاخص یاد شده در مورد خانوارهای روستایی بیش از خانوارهای شهری است. به عنوان مثال به دنبال ۱۰۰ درصد کاهش در تعرفه واردات، شاخص شکاف فقر در میان خانوارهای روستایی بیش از ۴ درصد کاهش می‌یابد حال آنکه رقم متناظر برای خانوارهای شهری ۳/۳۳ درصد است. اما مقدار مطلق شکاف فقر در مناطق شهری با کاهش ۱۰۰ درصدی تعرفه‌ها به مراتب از مقدار مطلق شکاف در مناطق روستایی کاهش بیشتری داشته است. در مورد شاخص شدت فقر نیز تفاوت مشابه، مشاهده می‌شود، به این ترتیب که در صورت ۱۰۰ درصد کاهش در تعرفه واردات شاخص شدت فقر در میان خانوارهای شهری ۴ درصد بهبود می‌یابد در حالی که رقم مشابه برای خانوارهای روستایی بیش از ۴/۵ درصد است. با این حال مقدار مطلق کاهش شدت فقر در مناطق شهری با کاهش ۱۰۰ درصدی تعرفه‌ها بیشتر از مناطق روستایی است.

همان گونه که ملاحظه می‌شود، شدت و شکاف فقر در مناطق شهری ایران بیشتر از مناطق روستایی است. میان شاخص شکاف و شدت فقر اغلب همبستگی مثبت و نسبتاً بالایی وجود دارد؛ از این رو در منطقه‌ای که شکاف فقر زیاد باشد، شدت فقر نیز زیاد خواهد بود. البته، اگر نگرش ما به شاخص‌های بالا رتبه‌ای باشد، می‌توان دریافت که امکان دارد در منطقه‌ای خاصی شکاف فقر بیشتر از سایر مناطق، اما شدت فقر کمتر باشد. این امر بدین معناست که در مناطقی شدت فقر بیشتر است، توزیع درآمد ناعادلانه‌تر است به نحوی که اعضای بیشتری دارای درآمد کمتری هستند.

با کاهش تعرفه از ۱۰ تا ۱۰۰ درصد، شکاف فقر در میان خانوارهای شهری بین ۰/۱ تا ۳/۳۳ درصد کاهش خواهد یافت. شدت فقر نیز با کاهش فوق در تعرفه‌ی واردات بین ۰/۳ درصد تا ۴ درصد کاهش می‌یابد. همچنین در پی کاهش تعرفه واردات به میزان ۱۰ تا ۱۰۰ درصد شکاف فقر در مناطق روستایی بین ۰/۴۹ تا ۴/۰۵ درصد و شاخص شدت فقر نیز بین ۰/۴۵ تا ۴/۵۵ درصد کاهش خواهد یافت. دیده می‌شود که درصد تغییرات در کاهش شکاف و شدت فقر در مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری بیشتر است.

همان گونه که ملاحظه می‌شود تأثیر کاهش بیشتر تعرفه در قالب شاخص‌های شکاف و شدت ظاهر می‌شود، اما در میان خانوارهای شهری نتایج جالب توجه می‌باشد به این ترتیب که کاهش تعرفه به میزان ۱۰ درصد، هیچ گونه کاهشی در درصد افراد فقیر ایجاد نمی‌کند، در حالی که کاهش تعرفه به میزان ۱۰ درصد برای خانوارهای روستایی درصد افراد فقیر را ۰/۹۴

درصد کاهش می‌دهد. بهسین و همکاران (۲۰۰۵) نیز به نتایج مشابهی برای کشور غنا که تعرفه‌های وارداتی را به گونه‌ی کامل حذف کرده بودند، دست یافتند. در این مطالعه شاخص نسبت سرشمار در همه‌ی گروه‌های خانوار منتخب از ۰/۷۱ درصد تا بیشینه ۱/۵ درصد کاهش داشته است. همچنین، نتایج دکلاوو و همکاران (۱۹۹۹) نشان داد که با کاهش ۵۰ درصد نرخ تعرفه در کشورهای منتخب آفریقایی، فقط یک درصد شاخص نسبت سرشمار برای مناطق روستایی کاهش می‌یابد و بیشترین تاثیر کاهش تعرفه‌ها بر شاخص‌های دیگر یعنی شکاف و شدت فقر بوده است. این نتایج نشان می‌دهد که در این کشورها کاهش تعرفه‌ها چندان تاثیری بر گروه‌های فقیر شهری و روستایی نداشته است.

جدول (۴) اثرهای کاهش تعرفه‌های وارداتی بر شاخص‌های فقر مناطق روستایی سال ۱۳۸۰

کاهش تعرفه‌ها (درصد)	کاهش تعرفه‌ها (درصد)	کاهش تعرفه‌ها (درصد)	کاهش تعرفه‌ها (درصد)	کاهش تعرفه‌ها (درصد)	وضعیت کنونی	شاخص‌های فقر
۱۰۰	۵۰	۳۰	۲۰	۱۰	۶/۱۸	شکاف فقر
۵/۹۳	۶/۰۶	۶/۱۱	۶/۱۳	۶/۱۵	تغییرات نسبت به وضعیت کنونی (درصد)	$\alpha = 1$
از ۰/۴۹- تا ۴/۰۵-						
۲/۱	۲/۱۵	۲/۱۷	۲/۱۸	۲/۱۹	۲/۲	شدت فقر
از ۰/۴۵- تا ۴/۵۵-					تغییرات نسبت به وضعیت کنونی (درصد)	$\alpha = 2$

ماخذ: یافته‌های پژوهش

هم اکنون بر اساس نتایج این مطالعه درصد شایان توجهی از خانوارهای ایران زیر خط فقر هستند. از این رو انتظار می‌رود میانگین میل به مصرف نیز در میان خانوارها بالا باشد، اما همان گونه که مشاهده شد، میانگین میل به مصرف پایین است (میانگین میل به پس‌انداز برابر با ۰/۵۵ است). در این خصوص می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که در شرایط تورم بالا همانند اقتصاد ایران هزینه‌ی فرصت مصرف بالا خواهد بود. به بیان دیگر با انجام پس‌انداز و

تأثیر کاهش تعرفه‌های وارداتی بر فقر در ایران

سرمایه‌گذاری، افراد نوعی از رفتار مقابله با تورم را صورت می‌دهند که در صورت مصرف، این امکان مقابله از دست می‌رود و این امر می‌تواند دلیلی بر میانگین میل به پس‌انداز بالا باشد. وجود چنین رفتاری باعث می‌شود تا متناسب با افزایش درآمد یا به بیان دیگر آن گونه که در مورد میل به مصرف جامعه انتظار می‌رود، مخارج مصرفی افزایش پیدا نکند. این در حالی است که تغییرات در مخارج به عنوان معیار قضاوت در مورد تغییرات فقر مورد استفاده قرار می‌گیرد. لذا با فرض رفتار یاد شده می‌توان گفت که اثر کاهش تعرفه بر کاهش فقر بیشتر از یافته‌های مطالعه‌ی حاضر بوده است. همان گونه که نتایج نشان داد تاثیر تعرفه‌ها بر فقر اندک بود در نتیجه می‌توان گفت در ایران موانع غیرتعرفه‌ای نقش مهم‌تری ایفا می‌کنند به همین دلیل در جهت آزادسازی می‌توان با سرعت بیشتری تعرفه‌ها را برداشت بدون این که آسیبی به گروه فقرا وارد شود لذا در مطالعات آتی در نظر گرفتن این نوع موانع نیز لازم است. لازم به ذکر است نتایج مدل GAMS قابل ارائه می‌باشد.

منابع

- شوشتریان، آ (۱۳۸۲). بررسی آثار آزادسازی بازار گندم ایران بر روی رفاه اجتماعی و فقر، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز.
- مرکز آمار ایران، پایگاه اطلاع‌رسانی. <http://www.sci.ir.org>,
- محمدقلی نیا، ج. و م. مسائلی (۱۳۷۸). سازمان تجارت جهانی و کشاورزی ایران، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۲۷: ۲۵۷-۲۲۷.
- مهرآرا، م. و محسنی، ر (۱۳۸۳). آثار تجارت خارجی بر بهره‌وری: مورد ایران، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۶: ۸۷-۵۶.
- Aka, B. F. (2003). Fiscal adjustment, poverty inequality and welfare in Cote d'Ivoire: A Computational General Equilibrium Model Analysis. Cote d'Ivoire: Department of Economics, University of Bourke. At: <http://www.ifpri.org>
- Anwar, T. (2001). Impact of Globalization and Liberalization on Growth, Employment and Poverty: A Case Study of Pakistan. United Nation University. Working Paper.
- Armington, P. S. (1969). A theory of demand for products distinguished by place of production. IMF Staff Papers 16 (1): 445-467.

- Bhasin, V. ,S. K. Annim. (2005). Impact of Elimination of Trade Taxes on Poverty and Income Distribution in Ghana. Revised Final Report Submitted to Global Development Network. Working Paper.
- Corryton, C. B. ,J. Cockburn. (2005). Trade Reform and Poverty in the Philippines: A Computable General Equilibrium Micro simulation Analysis. Philippine: Micro Impacts of Macro Adjustment Policies (MIMAP). Working Paper.
- Decaluwe, B., J. C. Dumont ,L. Savard. (1999). Measuring Poverty and Inequality in a Computable General Equilibrium Model. Cahier de recherche due CREFA n 99-20., University Laval Pavilion J. A. De Sieve. Quebec, Canada G1K 7P4. Working Paper.
- Foster, Greere and Thorbecke. (1984). A class of decomposable poverty measures." *Econometrica*., 25(3): pp. 261-766.
- Hay, D.A. (2001). The post-1990 Brazilian trade liberalization and the performance of large manufacturing firms: Productivity, market share, and profits, *Economic Journal* 111: 620-641
- Hosoe, N. (2001). Computable general equilibrium modeling with GAMS. *Journal of Development Economics*. 29: 1-98.
- Khan, H. A. (2004). Assessing Poverty Impact of Trade Liberalization Policies: A Generic Macroeconomic Computable General Equilibrium Model for South Asia. ADB Institute Discussion Paper., No. 22. Working Paper.
- Mujeri, M. ,B. Khondker. (2002). Poverty Implications of Trade Liberalization in Bangladesh: A General Equilibrium Approach. Working Paper.
- Ravallion, M. ,B. Bidani. (1994). How Robust Is a Poverty Profile? *World Bank Economic Review*, 8: pp 75-102.
- Kemal, A. R, R. Siddiqui. (2002). Remittances, Trade Liberalization, and Poverty in Pakistan: The Role of Excluded Variables in Poverty Change Analysis. Working Paper.
- Srivasan, T. N. (2000). Poverty and under Nutrition in South Asia. *Food Policy*, 25: 269-282.
- Stifel, D.E. ,E. Thorbecke. (2003). A dual CGE model of an archetype African economy: Trade reform, migration and poverty. *Journal of Policy Modeling*, 25: 207-235.
- Winters, L. A., N. Mc Culloch ,A. McKay. (2004). Trade liberalization and poverty: The evidence so far. *Journal of Economic Literature*. XLII: 72-115.
- World Bank. (2002). *Global Economic Prospects and Developing Countries*". Washington DC.